

# به چه کار آید؟

## کارگاه درست گفتن و درست گوش دادن



دکتر احمد رضا آذربایجانی

هر برنامه‌ی درسی از طریق راهبردهای متناسب با آن برنامه‌ی اهدافی را دنبال می‌کند. هدف برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان یا به‌اختصار «فبک»، تربیت فیلسوف یا مطالعه‌ی فلسفی نیست، بلکه قرار است از طریق راهبرد گفت‌وگو، کودکان بتوانند «با هم فکر کردن» را یاد بگیرند و در تعاملات اجتماعی با یکدیگر، در عین همدلی، حرف‌های هم را درست گوش بدهند، یا در زمان ابراز نظر، درست بگویند و قدرت تعمق داشته باشند و اگر در جایی فهمیدند نظرشان اشتباه بوده، «خودتصحیحی» کنند. رابطه‌ی آموزگار و شاگرد در این فرایند، رابطه‌ی تسهیلگرانه است. به این معنی که قرار نیست مربی مجموعه اطلاعاتی را در شاگرد سپرده‌گذاری یا به او منتقل کند. از این رو، آموزگار در این شیوه باید فعال باشد و همان‌گونه که در آخر هر جلسه، شاگردان از فعالیت آن جلسه خودارزیابی دارند، او نیز در خود یک یادگیری جدید را تجربه کرده باشد. در اینجا قرار است یکی از تمرین‌های این برنامه‌ی درسی را با شما به اشتراک بگذارم.

### کلیدواژه‌ها: فبک، گوش دادن، فکر کردن

#### «درست گفتن» و «درست گوش دادن»

این تمرین را در فرایندهای یادگیری الکترونیک نیز می‌توان تجربه و آثار خوب آن را مشاهده کرد. در فرایند حضوری لازم است اعضای کلاس به‌صورت دو نفری انتخاب شوند. این کار بهتر است از طریق قرعه‌کشی صورت بگیرد. مثلاً آموزگار یا تسهیلگر، از ته کلاس شماره‌گذاری کند و شماره‌ها را روی تخته بنویسد و با انتخاب اتفاقی هر دو نفر، شماره‌هایشان را از روی تخته پاک کند.

هر دو نفر کاغذ سفید یکسان و مداد داشته باشند. در بالای یکی از کاغذها نام و نام خانوادگی را بنویسند و در مقابل آن بنویسند «طراح و گوینده». در کاغذ دیگر، پس از نام و نام خانوادگی، ذکر کنند «گوش‌دهنده و شنونده». هر گروه کد گروهی خود را نیز روی

طرف مقابل کند، طرحی را تصویر می‌کند. در حین تصویر خطوط طرح، آن‌ها را برای همکار خود، یعنی گوش‌دهنده، بازگو می‌کند. گوینده باید با در نظر گرفتن توانایی طرف مقابل، طرح خود را بسنجد و به نحوی توضیح دهد که طرح طرف مقابل به طرح او نزدیک شود. گوینده و طراح می‌توانند با ذکر ابعاد و اندازه‌ها و شکل‌های ساده، طرف مقابل را راهنمایی کنند. تسهیلگر در این شرایط سکوت می‌کند و با گشت‌زدن بین شاگردان، زمان را یادآوری می‌کند یا اگر شاگردان بعضی از نمادهای ورزشی و باشگاهی را برای یکدیگر پیشنهاد کرده‌اند، از آن‌ها می‌خواهد شکل‌های دیگری نیز در طرح اضافه کنند و یادآوری می‌کند طرح‌های کلیشه‌ای و نمادین، به‌تنهایی قابل قبول نیستند. مربی یادآوری می‌کند بچه‌ها روی دست هم را نبینند. البته چون فضای پرهیجانی است، بعضی شاگردان از روی دست هم خواهند دید، ولی با توجه به وقت محدود و تذکرات توأم با جدیت ولی پر از شادی تسهیلگر، در این فرایند یادگیری‌های جدی خواهند بود.

– معلم یکی از بچه‌ها را دعوت می‌کند تا با همدیگر فعالیت کلاسی را تجربه کنند و همگی آن را ببینند. کاغذش را برمی‌دارد و مشخصات خود و همکارش، برای مثال علی، را روی آن می‌نویسد. سپس از علی می‌خواهد او هم مشخصاتش را در دو برگه‌ای که دارد، بنویسد. سپس در بالای یکی از دو برگه‌ی خودش می‌نویسد گوینده و در بالای دیگری می‌نویسد شنونده. گروه خودشان را هم «الف» نام می‌گذارد. از همکارش هم می‌خواهد این کار را انجام دهد. او و همکارش، علی، نشسته‌اند. بچه‌ها دور معلم و همکارش حلقه می‌زنند و شاهد فعالیت آن‌ها هستند. معلم کاغذی را که در مقابل دارد، افقی می‌کند و به همکارش می‌گوید: «لطفاً کاغذ را افقی کن.» معلم از سمت راست کاغذ دو سانتی‌متر به‌طرف داخل خطی را می‌کشد و به همکارش می‌گوید: از سمت راست، حدود دو سانتی‌متر به‌طرف داخل، خطی از بالا به پایین بکش. حالا به موازات آن خط، حدود یک سانت خط دیگر بکش. یادت باشد قرار است این خط‌ها تته‌ی یک درخت بشوند. حالا بالای این تته را

برگه اضافه کند. کد گروهی می‌تواند بر اساس حروف الفبا باشد. یعنی در بالای هر صفحه معلوم باشد کدام دو نفر با تعامل یکدیگر این فعالیت را انجام خواهند داد.

– افراد هر گروه به‌صورت دو نفری پشت به پشت هم بنشینند و دست‌به‌قلم آماده باشند.

– آقا معلم به بچه‌ها می‌گوید: امروز فعالیتمان را در نمازخانه انجام می‌دهیم. یک کار مهیج داریم. به توضیحات من به‌دقت گوش کنید. لطفاً همگی در بالای کاغذتان مشخصات خودتان و نام همکارتان را بنویسید.

مدت زمان توضیح تسهیلگر و آماده شدن برای فعالیت: ۱۰ دقیقه

– ابتدا یکی از دو نفری که در نقش طراح و گوینده است، بدون آنکه روی خود را به

چند شکل مثل عدد هفت بکش و آن‌ها را به شاخه‌های باریک ترسیم کن و اطراف شاخه‌ها برگ‌های دایره‌ای ریز بکش. یادت باشد این برگ‌ها نباید از قطر سه میلی‌متر بیشتر شوند. همان‌طور که کاغذت افقی است، ارتفاع آن را سه قسمت کن. دو قسمت را برای زمین بگذار، یک قسمت برای آسمان و یک خط افق هم بکش. روی خط افق سه کوه مثلثی ساده ترسیم کن که از اول صفحه تا آخر صفحه را می‌گیرد. یادت باشد کوه اولی از دومی بزرگ‌تر و کوه دومی از سومی بزرگ‌تر باشد. (چون علی طرح را زودتر کشیده بود، اندازه‌ها فرق کرده بودند. شاگردان از تفاوت‌های ایجاد شده می‌خندند. بعضی دلشان می‌خواست طرح ترسیمی علی نزدیک به طرح آقا معلم باشد و بعضی‌ها دلشان می‌خواست طرح‌ها از هم دور باشند تا کمی بخندند). معلم از او می‌خواهد یک آدم بکشد که به درخت تکیه داده است. آقا معلم یک پسر بچه می‌کشد و علی یک آقای شیک را ترسیم می‌کند. بچه‌ها خنده‌شان می‌گیرد. آقا معلم بدون آنکه به نقاشی علی سرک بکشد، می‌گوید: تو می‌توانی بررسی آدم چه جنس یا چه اندازه‌ای دارد؟ یکی از بچه‌ها می‌گوید، پس آقا این کار فقط تمرین خوب گفتن و خوب گوش دادن نیست، بلکه برای خوب سؤال کردن هم هست. آقا معلم می‌گوید: سؤال کردن هم بخشی از خوب گوش دادن است، ولی لازم است محدود باشد و شما وقت کمی برای آن دارید.

علی به نقاشی سرک می‌کشد و دارد تفاوت‌های نقاشی‌اش را پاک می‌کند که آقا معلم می‌گوید: بچه‌ها، اولاً نباید در کار هم سرک بکشید. دوم اینکه اگر قرار بر مصرف زیاد پاک‌کن باشد، پیشنهاد می‌کنم پاک‌کن را حذف کنید. یادتان باشد پاک‌کن برای کارهای کوچک است. باید در وقتی که تعیین می‌کنم، کار جفتان تمام شده باشد.

– آقا معلم از بچه‌ها می‌خواهد هر کدام با همکارشان پشت به پشت در نمازخانه بنشینند. معلم به شاگردان می‌گوید: فقط ۱۰ دقیقه وقت دارید.



**مدت زمان فعالیت: ۸ تا ۱۰ دقیقه**

- جای گوینده و شنونده عوض شده و همین تجربه تکرار می‌شود. در فرایند الکترونیک، تسهیلگر از دو نفر می‌خواهد تمرین‌ها را از طریق یک پیام‌رسان، بدون دیدن اثر یکدیگر، و صرفاً با گفتن دقیق و گوش‌دادن درست، طراحی کنند و پس از اتمام برای او ارسال کنند. آموزگار پس از ده دقیقه، در حالی که نام و مشخصات را چک می‌کند، طرح‌ها را از بچه‌ها جمع می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد این بار جای گوینده و شنونده عوض شود.

**مدت زمان فعالیت: ۸ تا ۱۰ دقیقه**

- با کمک خود شاگردان طراحی‌های هر دو نفر را کنار هم روی دیوار می‌چسبانند. از شاگردان خواسته می‌شود نزدیک‌ترین دو طرح به هم یا فاصله‌دارترین طرح‌ها از هم را انتخاب و در مورد آن‌ها گفت‌وگو کنند. مربی تسهیلگر باید در فضایی همدلانه تلاش کند تا اعضا بهانه‌هایی برای گفت‌وگو و با هم فکر کردن داشته باشند. در این فرایند، آموزگار می‌تواند غیر از توجه به سؤالات و ابراز نظر شاگردان، به مقتضای فضای کارگاه از این سؤالات استفاده کند:

- این موضوع و فعالیت به چه دردی می‌خورد؟  
چرا ما این پروژه را اجرا کردیم؟  
- اگر مردم درست بگویند و درست گوش کنند، چه پیامدی دارد؟

- علت اینکه بعضی از طرح‌ها خیلی از هم دورند، چیست؟ آیا گوش‌دادن خوب نبود یا درست گفتن؟ ممکن است اشکال از توان طراحی افراد بوده باشد؟ آیا خوب طراحی کردن با خوب گوش‌دادن و درست گفتن رابطه‌ای دارند؟  
- آیا حاضرید این تمرین را در خانواده و با دیگر اعضا تجربه کنید؟ چرا؟  
- دفعه‌ی بعد برای نزدیک‌تر شدن طرح‌ها به هم، چه کاری خواهید کرد؟  
- آیا این موضوع (فعالیت فوق) در مورد آموزگار و شاگرد هم معنا و مصداق دارد؟  
بچه‌ها زیر نظر آموزگار طرح‌هایشان را زیر هم به دیوار می‌چسبانند. یکی از بچه‌ها می‌گوید: آقا نمی‌شد طرح‌ها را روی زمین بچینیم؟  
آقا معلم پاسخ می‌دهد: بله می‌شود. می‌توانید دفعه‌ی بعد طرح‌هایتان را روی زمین بچینید. بچه‌ها خودشان می‌گویند که کدام روش بهتر است.  
بعضی بچه‌ها می‌گویند آقا، کار ما خراب شد. نمی‌شود صرف‌نظر کنید؟ بعضی هم به خندیدن و شوخی مشغول می‌شوند. آقا معلم آن‌ها را دلداری می‌دهد و می‌گوید مطمئن هستم دفعه‌ی بعد بهتر می‌شود. بگذارید آن‌ها را با هم بررسی کنیم.

**مدت زمان گفت‌وگو در مورد فعالیت:****۳۰ تا ۴۰ دقیقه**

- در این بخش لازم است اعضا خودارزیابی کنند. خودارزیابی‌ها می‌تواند حول سه موضوع باشد:  
۱. نظرم در مورد یک باور تغییر کرد

(مثلاً فهمیدم چقدر خوب گوش‌دادن مهم است، در حالی که قبلاً این‌طور فکر نمی‌کردم). مربیان حرفه‌ای به خودتصحیحی‌ها توجه ویژه دارند.  
۲. نکات یا نکته‌ی جدیدی یاد گرفتم و کشف تازه‌ای داشتم.

۳. مسئله یا سؤال جدیدی برایم طرح شد.

شاگردان می‌توانند مطالب خود را با این واژه‌ها شروع کنند:

من فهمیدم که...؛ به نظر من...؛ یک خودتصحیحی دارم و آن...؛ سؤالی برایم طرح شده و آن ....

اگر کسی نظرش شبیه یکی از اعضا بود، می‌تواند بگوید: نظر من شبیه دوستم فلانی بود (که تسهیلگرگاه می‌تواند بگوید لطفاً نظر دوستت را تکرار کن).

\*\*\*

محمد: آقا ما فهمیدیم خیلی از مرحله پرتیم (و همه می‌خندند).

آقا معلم می‌گوید: شوخی‌ات را کردی، حالا واضح‌تر توضیح بده تا بفهمیم منظور تو چیست؟

- آقا، من فهمیدم نه خوب می‌گویم و نه خوب می‌شنوم.

- آفرین. نفر بعدی ارزشیابی‌اش را بگوید؟  
حسن می‌گوید: آقا، طرحی که من توضیح دادم، انگار بهتر است از طرحی که آرش برای من گفته! خودتان مقایسه کنید؟

آقا معلم طرح دوم او را پیدا می‌کند و کنار آن‌ها می‌گذارد. از بچه‌ها نظر می‌خواهد. همه موافق حرف حسن هستند. آرش می‌گوید، فکر کنم من خوب گوش کرده‌ام.

طاها دستش بالا است و مرتباً می‌گوید آقا من بگویم؟ من بگویم؟ و با اجازه‌ی آقا معلم می‌گوید: من فهمیدم که اگر هم گوینده و هم شنونده خوب باشد، طرح‌ها خیلی به هم نزدیک می‌شوند. آیدین می‌پرسد: آقا، خوب گفتن مهم‌تر است یا خوب گوش‌دادن؟

آقا معلم می‌گوید: چه سؤال خوبی! نظر شما چیست بچه‌ها؟

**زمان خودارزیابی: ۱۰ تا ۱۵ دقیقه**